آنتونی فلو، فیلسوف تحلیلی روزگارما در بخش نخست این گفت وگو به تجدید نظرهایی که در عرصه براهین خداشناسی داشت اشاره نمود. در بخش حاضر، او به دو مقوله «شر» و «تجارب نزدیک به مرگ» به عنوان مضامینی الهیاتی می پردازد.

گروه اندیشه

گفت وگوی گری هابرمس با آنتونی فلو فیلسوف تحلیلی معاصر

گام اول را چگونه برداشتم؟

ترجمه: ناصرالدین علی تقویان

هابرمس: علاقه تو به نوشته های دیوید هیوم چه نقشی می توانست در بحث های مربوط به وجود خدا داشته باشد؟ آیا دیدگاه نویی درباره هیوم داری که ایمان جدیدت را به خدا در تو سبب شده باشد؟

فلو: نه، واقعاً نه.

هابرمس: فکر می کنی آیا هیوم هرگز به مسأله خدا پاسخی داده است؟

فلو: من او را ملحد می دانم، البته اگر بتوان چنین گفت. اما جالب است اشاره کنم که او خود کاملاً تمایل داشت که یکی از شرایط انتصابش را به مقام استادی فلسفه در دانشگاه ادینبورو بپذیرد. آن شرط به طور کلی این بود که نوعی پشتوانه و تشویق برای کسانی فراهم آورد که مراسم نیایش و دیگر اعمال مذهبی را به جا می آورند. من معتقدم که هیوم فکر می کرد نهاد ایمان دینی می تواند به لحاظ اجتماعی سودمند باشد، چنانکه در روزگار او چنین بود.

همچنین من، که در حال تبدیل شدن به یک متدیست (Methodist) هستم، همواره از این سودمندی بالقوه تعالیم عینی مذهبی، و در بسیاری مکان ها و زمان ها به سودمندی بالفعل آن، آگاه بوده ام. اکنون دهه ها از زمانی می گذرد که نخستین بار توجهم را به خطر تکیه بر حداقلی از تعالیم اجباری مذهبی در مدارس، که برای برطرف کردن نیازهای آموزشی اخلاقی به کار می رود معطوف کرده ام، بویژه در دوره رویگردانی لجوجانه از ایمان دینی. اما همه این هشدار ها البته نادیده گرفته شد. بنابراین اکنون شرایط در انگلستان به گونه ای است که هرگونه الزام به آموزش تعالیم رسمی یا غیررسمی دینی به دانش آموزان در مدارس دولتی مغفول واقع شده است. تنها تلاش رسمی برای ایجاد جایگزینی سکولار نیز ضایع شد چراکه فیلسوف اخلاق کمیته دولتی مأمور این کار نمی توانست تفاوت بنیادی میان اخلاق بدون پیشوند یا پسوند را با عدالت «اجتماعی» مذکور در کتاب نظریه عدالت جان رالز تشخیص دهد.

باید نسخه ای از واپسین بخش جدیدترین و احتمالاً آخرین کتابم را برایت فرستاده باشم، که در آن برنامه ای درسی و سرفصل هایی را برای آموزش اخلاقی در مدارس سکولار پیشنهاد داده ام. این کار هم برای آمریکا و هم برای انگلستان مهم است. برای آمریکا مهم است چون دادگاه عالی از عبارت مربوط به عدم رسمیت یک دین خاص در آمریکا تفسیری کاملاً غلط ارائه داد: چنان آن را اشتباه فهمید که منجر به ممنوع شدن هر اشاره ای به دین شد. و در انگلستان هر برنامه کارآمدی برای آموزش اخلاقی می بایست سکولار باشد چون الحاد اکنون همه جا گسترده شده است.

هابرمس: در کتاب خدا و فلسفه، و در جای جای بحث ما نیز، به نظر می رسد انگیزه اولیه تو برای رد براهین خداباورانه مسأله شر بوده است. بر اساس ایمان جدیدتو به خدا، اکنون نسبت خدا با واقعیت شر در جهان را چگونه صورت بندی می کنی؟

فلو: خب، چرا ما باید چنان فرض کنیم که گویی شر مسلم است؟ شر امری فقط برای مسیحیان مسأله است. مسلمانان، تلقی دیگری از مسأله شر دارند که اساساً آن را امری عدمی به شمار می آورند. فکر می کنم لحظه ای که به عنوان یک بچه مدرسه ای پانزده ساله، نخستین بار بر من معلوم شد تر حدوث و بقای عالم از سوی موجودی بی نهایت قدرتمند و بی نهایت نیک با وقوع شر عظیم و انکارناپذیر در جهان یکسره ناسازگار است، نخستین گامم را در راه حرفه آینده ام به عنوان فیلسوف برداشتم. البته مدت ها پس از آن بود که یکسان انگاری فلسفی خیر با وجود را آموختم.

هابرمس: پس به نظر تو، خدا هیچ ربطی با شر نداشته است.

فلو: نه، به هیچ وجه.

هابرمس: در خداباوری تو مسأله ذهن/بدن چه می شود؟

فلو: به نظر من کسانی که می خواهند درباره زندگی پس از مرگ سخن بگویند باید دشواری صورت بندی مفهوم شخص غیرمادی را در نظر داشته باشند. اینجا ناچارم بازهم به سالی که دانشجوی گیلبرت رایل بودم برگردم، سالی که او مفهوم ذهن را منتشر ساخت.

در آن زمان، در مطبوعات مهم بریتانیا تفسیر قابل توجه و معمولاً خصمانه ای برآنچه که «فلسفه زبانی اکسفورد» نام داشت به چشم می خورد. اعتراض معمولاً حول محور بود که این امر منجر به تحقیر رشته ای بسیار عمیق و مهم می شود.

همین امر مرا واداشت که در باشگاه فارغ التحصیلان فلسفه سخنرانی ای با عنوان «موضوعی که اهمیت دارد» ایراد کنم. در آن سخنرانی استدلال من آن بود که، از زمان غفلت از آنچه که ایماتوئل کانت سه مسأله بزرگ فیلسوفان - یعنی خدا، آزادی و جاودانگی- می نامید تاکنون، رویکرد زبانی پیشرفتی اساسی را در جهت حل آنها نوید داده است.

خود من همواره میل داشته ام در مباحث آن سه حوزه مشارکت کنم. در واقع نخستین اثر منتشرشده فلسفی من مربوط به مسأله سوم بود. و دور زمانی پس از آنکه نخستین بار به عنوان فیلسوفی حرفه ای مشغول به کار شدم نزد رایل اعتراف کردم که اگر هرگاه از من خواسته شود که در گیفورد تدریس کنم، درس هایم را تحت عنوان منطق میرایی ارائه می دهم. این درس ها همگی استدلالی ژرف برای رسیدن به این نتیجه اند که خلاصه خلق مفهوم یک روح غیرعادی امکان ناپذیر است.

هابرمس: آیا چنین مفهومی به ضرورت برای مفهوم زندگی پس از مرگ لازم است؟

فلو: دیکشنری دکتر جانسن در تعریف مرگ می نویسد مرگ آن است که نفس بدن را ترک کند. اگر نفس، به گفته دکتر جانسن و تقریباً شاید همه هم عصران او، چیزی باشد که می توان به لحاظ حسی گفت که محل اقامت کنونی خود را ترک می کند و در جایی دیگری اقامت می گزیند یا مجبور به اقامت می شود، پس نفس باید، به معنای فلسفی، جوهر باشد و نه صرفاً ویژگی چیزی دیگر.

چاپ درس گفتارهای من در گیفورد پس از آن بود که ریچارد سوین برن (Richard Swinburne) کتاب خود را درباره تطور نفس منتشر کرد. بنابراین هنگامی که کتاب من با عنوان فقط میرا؟ آیا می توانی از مرگ خودت رهایی یابی؟ تجدید چاپ شد، احتمالاً از من انتظار می رفت که به انتقادهایی که سوین برن از کتاب های پیشین من در همین حوزه می کرد پاسخ دهم. اما حقیقت آزاردهنده این است که او به هیچ یک از آثاری که به نحوی مربوط به موضوع می شد و تا هنگام جنگ جهانی دوم چه به قلم من و چه به قلم دیگران نگاشته شده بود توجهی نکرده بود. نباید در جست وجو برای کتاب ها یا مقالات پیش از آن تاریخ مطالب زیادی موجود بوده باشد چرا که سوین برن و من تنها کسانی بودیم که در گیفورد تدریس می کردیم و در شصت سال گذشته به مسأله زندگی پس از مرگ می پرداختیم. باید اشاره کنم که سوین برن در درس گفتارهایش در گیفورد حتی از گفته مشهور اسقف باتلر نیز غفلت کرد: «حافظه ممکن است هویت شخصی را آشکار کند اما نمی تواند آن را ایجاد کند».

هابرمس: من و تو بارها درباره موضوع تجارب نزدیک به مرگ گفت وگو کرده ایم، بویژه آن گونه تجارب ویژه ای که در آن مردم از داده های خودشان گزارش داده اند. گاهی این گزارش ها حتی هنگام نبود ضربان قلب یا امواج مغز رخ می دهند. پس از دومین گفت وگومان، تو نامه ای به من نوشتی و گفتی که «مطالب مربوط به تجارب نزدیک به مرگ را بسیار چالش برانگیز می یابم... این شواهد اگر هم کاملاً براهین مراضد آموزه حیات پس از مرگ ابطال نکند قطعاً آن را تضعیف می کند،...». در پرتو این شواهد، نظرت درباره امکان زندگی پس از مرگ بویژه با مبانی خداباورانه ات چیست؟

فلو: موجود غیرجسمانی را می توان فرض گرفت، و می توان فرض کرد که حافظه ای نیز دارد. اما پیش از آنکه بتوانیم بر حافظه او با حتی تجارب خودش تکیه کنیم لازم است بتوانیم از چگونگی بازشناسی این موجود مفروض غیرجسمانی و سپس از چگونگی بازشناسی اش از جانب خودش به عنوان موجودی واحد، منفرد و روحانی گزارشی به دست دهیم. تا زمانی که شواهدی داریم که چنین ارواح غیرمادی ای احتمالاً ما را بازشناسی کرده اند یا قرار است که بازشناسند - چنان که دکتر جانسن و اندکی دیگر نیز چنین می پندارند - نمی فهمم چرا تجارب نزدیک به مرگ را باید شاهدی بر این نتیجه گیری دانست که انسان ها از زندگی پس از مرگ برخوردار خواهند بود یا - به احتمال بیشتر اگر یکی از دو دین و حیانی برحق باشد - در عذاب ابدی به سر خواهند برد.

هابرمس: من قبول دارم که تجارب نزدیک به مرگ شاهدی بر مدعای وجود جهنم و بهشت نیست. اما آیا به نظر تو بر اساس مبانی خداباورانه ات، این شواهد امکان نوعی زندگی پس از مرگ را افزایش نمی دهد؟

فلو: هنوز هم امید و اعتقاد دارم که باید شواهد محکم تری برای اثبات زندگی پس از مرگ دست و پا کرد.

هابرمس: در مورد شواهدی از این دست، آن گونه که تجربیات نزدیک به مرگ نشان می دهند، چه می گویی؟ و حتی اگر تصور روشنی نیز از آن گونه جسمی که اینجا هست وجود نداشته باشد، این شواهد را به نوعی مفید نمی دانی؟ به سخن دیگر، گذشته از آنکه حیات احتمالی پس از مرگ به چه شکل خواهد بود، آیا بازهم این شواهد را شواهدی برای چیزی نمی دانی؟

فلو: ارائه تفسیری از این تجارب گیج کننده است. اما من تصور می کنم باید این تجارب را در اکات فراحسی شخص دارای گوشت و خونی بدانیم که عامل تجارب مورد بحث است.

اما این موجود نمی تواند روح غیرمادی مفروضی باشد که تو دوست داری آن را با شخصی که به تازگی مرده اما در واقع نمرده است یکی بدانی. زیرا این مفهوم از روح غیرمادی را نمی توان دارای معنای درستی دانست مگر تا هنگامی که ابتدا ابزارهایی برای شناسایی چنین ارواحی مهیا باشد و سپس بتوان پس از جریان زمان آنها را به عنوان ارواحی واحد، منفرد و غیرجسمانی بازشناسی کرد. در غیر این صورت همواره باید جمله معروف اسقف باتلر را به یاد داشته باشیم: «حافظه ممکن است که هویت شخصی را آشکار کند اما نمی تواند ایجاد کننده آن باشد.»

شاید باید اینجا اشاره می کردم که پیش از آنکه در دانشگاه فلسفه بخوانم، بسیار علاقه مند به آن چیزی بودم که در انگلستان با عنوان پژوهش های فراروان شناختی (psychic) نامیده می شد (این پژوهش ها البته در انگلستان آغاز شد هرچند که اصطلاح «پاراسایکولوژی» اکنون هرجای دیگری نیز به گوش می رسد). شاید اینجا باید اعتراف می کردم نخستین کتابم را گستاخانه رهیافتی جدید به پژوهش های فراروان شناختی نام نهادم، و علاقه من به این موضوع سال ها پس از آن نیز تداوم یافت.

هابرمس: اما همچنین برای من نوشتی که تجارب نزدیک به مرگ «یقیناً شواهد تأثیرگذاری اند برای امکان وجود آگاهی انسان مستقل از هر پیشامدی در مغز انسان».

فلو: وقتی به آنچه که به نظر من تأثیرگذارترین شواهد پس از مرگ است توجه می کنم از خودم می پرسم اولین پرسش سنتی ای که درباره پدیده «فراروانی» پرسیده می شود چیست؟ آن پرسش این است: «این پدیده را نخستین بار چه کسی، کی و کجا گزارش داد؟» برخی میان تجارب نزدیک به مرگ با تجارب پس از مرگ خلط می کنند. جایی که چنین تجارب پس از مرگی با مسأله زندگی پس از مرگ مربوط می شود فقط و فقط جایی است که پدیدار می شوند تا «وجود آگاهی انسان را مستقل از هر پیشامدی در مغز انسان» نشان بدهند.

هابرمس: جای دیگر، که بازهم از روی لطف اشاره ای به تأثیر من بر اندیشه هایت داشتی، گفتی که این داده ها شواهدی مناسب برای آگاهی انسان مستقل از «فعالیت الکتریکی در مغز» هستند. اگر شواهدی برای برخی از تجارب نزدیک به مرگ وجود داشته باشد، و تجاربی در طول حالت نزدیک به مرگ مستقلاً اثبات شود حتی در اشخاصی که قلب یا مغزشان احتمالاً دیگر کار نمی کند، آنگاه آیا این شواهد به اندازه کافی تأثیرگذار و کافی نخواهد بود؟ آیا تجارب پس از مرگ بهترین شاهد برای زندگی پس از مرگ نیست؟

فلو: بله یقیناً. این تجارب به نحو بنیادین تنها شواهد ممکن خواهد بود.

ادامه دارد

بسمه تعالی

شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

آگهی مناقصه عمومی

شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی به مرکزیت شیراز درنظر دارد، خدمات موردنیاز خود را مطابق با مشخصات و شرایط کلی از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید.

موضوع: مناقصه شماره م ع/۸۴/۰۹۵/آد

مربوط به انجام خدمات موردنیاز تعمیرات و کارگاه مرکزی منطقه عملیاتی اغار ودالان

۱) محل کار

نواحی عملیاتی آغار واقع در حدود ۷۵ کیلومتری جنوب شرقی و دالان واقع در حدود ۷۵ کیلومتری جنوب غربی شهرستان فیروزآباد (استان فارس)

۲) مدت پیمان

یکسال شمسی می باشد.

۳) شرح مختصر کار

انجام خدمات جوشکاری، تراشکاری، مکانیک عمومی، تعمیر و تنظیم شیرهای ایمنی و خدمات ابزار دقیق و غیره...

۴) شرایط

۴-۱ انجام حداقل دو کار (پیمان) مشابه
۴-۲ تأیید صلاحیت از اداره کار و امور اجتماعی
۴-۳ توانایی تهیه ضمانتنامه شرکت در مناقصه به مبلغ ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و در صورت برنده شدن قادر به ارائه ضمانتنامه حسن انجام کار به میزان ۵ درصد بار مالی سالیانه پیمان باشد.

متقاضیان واجد شرایط می توانند برای اخذ پرسشنامه ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ۸۵/۱/۲۱ با ارائه تقاضانامه کتبی به نشانی شیراز، خیابان معدل غربی، نبش فلسطین، پلاک ۲۰۰ شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی طبقه اول امور حقوقی و قراردادها مراجعه یا با شماره تلفن ۵-۱۷۹۱-۲۳۰-۰۷۱۱ داخلی ۲۳۳ تماس حاصل نمایند. پس از بررسی پرسشنامه ها به واجدین شرایط مدارک مناقصه ارائه می گردد.

روابط عمومی
شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی

افزایش سرمایه شرکت گارفانجات نورد و لوله کارون
سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۴۶۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت نورد و لوله کارون سهامی خاص که در تاریخ ۸۴/۱۱/۵ با حضور کلیه سهامداران در محل شرکت تشکیل گردیده و در تاریخ ۸۴/۱۲/۲۰ واصل گردیده است سرمایه شرکت از ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰/۰۰۰ سهم ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریالی با نام از محل مطالبات حال شده سهامداران افزایش یافت و ماده ۵ اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.

حصاری - رئیس ثبت اسناد و املاک فرمهین

نیازمندیهای روزنامه ایران
ایران پیام
سفارش آگهی: ۵-۸۸۷۴۸۸۰۱

بسمه تعالی

نوبت دوم

آگهی مناقصه

سازمان خدمات موتوری

سازمان خدمات موتوری شهرداری شیراز در نظر دارد نسبت به خرید ماشین آلات راهسازی ذیل برابر شرایط و مشخصات فنی مندرج در اسناد مناقصه با برآورد ۹۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال اقدام نماید. لذا از کلیه شرکتهای داخلی و نمایندگان رسمی شرکتهای خارجی واجدشرایط دعوت به عمل می آید تا نسبت به دریافت اسناد مناقصه حداکثر ۱ هفته پس از درج آگهی به دبیرخانه سازمان واقع در شیراز، بلوار سلمان- جنب پل سلمان مراجعه نمایند. لازم به ذکر است برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۴۴۷۷۰۰-۰۷۱۱ تماس حاصل فرمایند. ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

۱-لودر ۷ دستگاه
۲-بکهو لودر ۵ دستگاه
۳-گریدر ۷ دستگاه
۴-بلدوزر ۳ دستگاه
۵-غلتک با ویبره ۱۰۰ تن ۴ دستگاه
۶-غلتک دو چرخ آهنی سبک (برای ترمیم آسفالت) ۶ دستگاه
۷-بیل مکانیکی چرخ لاستیکی ۱ دستگاه
۸- بیل مکانیکی چرخ زنجیری ۱ دستگاه

امور تدارکات
سازمان خدمات موتوری شهرداری

شماره مجوز ۹۰۰۱

آگهی مناقصه عمومی

شرکت ملی گاز ایران (منطقه سه عملیات انتقال گاز) درنظر دارد کالای مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی از شرکتهای واجد شرایط خریداری نماید، لذا کلیه شرکتهایی که توانایی تامین کالای مذکور و همچنین توانایی تهیه ضمانتنامه شرکت در مناقصه به مبلغ ۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال را داشته باشند دعوت می نماید. حداکثر ظرف مدت یک هفته بعد از انتشار این آگهی جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس: تهران، شهرری، جاده قدیم قم، باقرشهر، بلوار فلسطین، بعد از نیروگاه گاز ری، تاسیسات گاز ری (شهید کاوه) منطقه سه عملیات انتقال گاز، ساختمان اداری، طبقه دوم، اتاق ۴۰ امور کالا مراجعه نمایند.

تلفن تماس ونمابر: ۵۵۲۰۴۶۶۸

Lubricated Taper,plug Valve:
C.steel, class 600, gear operated, rectangular port, raised stem upto 3000 mm, design, dimension, testing, marking & tolerances to API 6D latest edition. Size 20 "-8" to be used with sweet natural gas. Other specification will be given later.

روابط عمومی منطقه سه عملیات انتقال گاز